

بررسی متن شمائل الاتقیا و رذایل الاشقیاء مبتنی بر طریقت چشتیه (متنی از سده هشتم هجری)

زهرا رحیمی^۱، محمد رضایی^{۲*}، قدرت‌الله خیاطیان^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲- گروه ادیان و عرفان، پردیس علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

اسفند ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۲، صص ۲۹۹-۳۲۰

DOI: 10.22034/bahreadab.2023.15.6794

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: موضوع و زمینه پژوهش پیش‌رو معرفی نسخه خطی شمائل الاتقیا و رذایل الاشقیاء اثر رکن‌الدین دبیر کاشانی در طریقت چشتیه میباشد. چشتیه در تصوف منسوب به پیران و مشایخ چشت ناحیه‌ای در خراسان قدیم است که بعنوان طریقتی تأثیرگذار نه تنها در ایران بلکه در شبه‌قاره هند نیز از پیروان زیادی برخوردار بوده است. مبانی عرفانی این طریقت صوفیانه را بزرگان و مشایخ پرآوازه‌ای مانند معین‌الدین چشتی، نظام‌الدین اولیا، برهان‌الدین غریب و دیگر بزرگان این سلسله مدون کرده‌اند. بخش اعظمی از آراء و عقاید چشتیه در قالب «ملفوظات» سخنان بزرگان و مشایخ طریقت مذکور است که توسط مریدان آنان گردآوری شده است. در این جستار هدف اصلی، بررسی و واکاوی آراء و اندیشه‌های عرفان طریقت چشتیه در رساله مذکور است.

روش مطالعه: جستار پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای سندکاوی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است و با بررسی نسخه موجود از رساله شمائل الاتقیاء و رذایل الاشقیاء^۱ به تحلیل اندیشه‌های عرفان چشتیه در این اثر خواهد پرداخت.

یافته‌ها: در رساله «شمائل الاتقیا» اثر رکن‌الدین کاشانی ملقب به «دبیر معنوی» که از صوفیان طریقت مذکور در قرن هشتم هجری است، آموزه‌ها و تعالیم شفاهی صوفیانه چشتیه به رشته تحریر درآمده است. نویسنده سعی نموده تعالیم این طریقت را بدرستی انتقال دهد. از رساله شمائل الاتقیا تاکنون یک نسخه چاپ سنگی به سال ۱۳۴۷ هـ. ق. حیدرآباد دکن و چندین نسخه غیرچاپی موجود است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که توجه به تصوف عملی، ذکر، کرامت، توبه، بیعت، ارتباط مرید و مراد، یقظه و بیداری، آداب خرقه‌پوشی و سماع از جمله مواردی است که رکن‌الدین دبیر کاشانی بعنوان اهم آداب و رسوم طریقت چشتیه در رساله خویش مدنظر قرار داده است.

تاریخ دریافت: ۰۴ اسفند ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۸ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۲۱ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۰۹ خرداد ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

طریقت چشتیه، نثر قرن هشتم، شمائل الاتقیا و رذایل الاشقیاء، رکن‌الدین کاشانی، نسخه خطی.

* نویسنده مسئول:

mohamad_rezaie@semnan.ac.ir
(+۹۸ ۲۳) ۳۱۵۳۲۱۸۹

^۱ نسخه‌های دیگر از این اثر توسط زهرا رحیمی دانشجوی مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی با عنوان بررسی و تصحیح انتقادی نسخه خطی شمائل الاتقیا و رذایل الاشقیاء اثر رکن‌الدین کاشانی در دانشگاه سمنان در حال تدوین میباشد.



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introducing the text of the Shamayel al-Ataqiya and Razayel al-Ashqiya based on the way of Cheshtiyeh (a text from the 8th century)

Z. Rahimi¹, M. Rezaei*¹, Gh. Khayyatian²

1- Department of Persian Language and Literature, Humanities Campus, Semnan University, Semnan, Iran.

2- Department of Religions and Mysticism, Humanities Campus, Semnan University, Semnan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 23 February 2022

Reviewed: 27 March 2022

Revised: 10 April 2022

Accepted: 30 May 2022

KEYWORDS

Cheshtiyeh, 8th century prose, Shamayel al-Ataqiya and Razayel al-Ashqiya, Rokuddin Kashani, Manuscript.

*Corresponding Author

[✉ mohamad_rezaie@semnan.ac.ir](mailto:mohamad_rezaie@semnan.ac.ir)

☎ (+98 23) 31532189

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The subject and background of the upcoming research is the introduction of the manuscript of Shamayel al-Ataqiya and Razayel al-Ashqiya by Roknoddin Dabir Kashani in the way of Cheshtiyeh. In Sufism attributed to elders and learned man Chesht, Chesht is a district in old Khorasan that has been an influential method not only in Iran but also in the Indian subcontinent. The mystical foundations of this Sufi tradition have been codified by popular elders and scholars including Moein al-Din Cheshti, Nezamuddin Olya, Burhan al-Din Gharib, and other great figures of this dynasty. A large part of Cheshtieh's ideas and beliefs are in the form of "requirements" in the words of the elders and the masters of the aforementioned way, compiled by their disciples. In this essay, the main purpose is to investigate and decipher the views and thoughts of Sufism in this essay.

METHODOLOGY: The following essay, which has been conducted by descriptive-analytical method based on document analysis and library studies, and by reviewing the existing version of the Shamayel al-Ataqiya and Razayel al-Ashqiya, we will examine the thoughts of taste mysticism in these works.

FINDINGS: In the essay of "Shamayel al-Ataqiya and Razayel al-Ashqiya", work of Rokn al-Din Kashani named "Spiritual Teacher" which is one of the Sufis of the aforementioned Sufis in the 8th century, the teachings and oral instructions of Sufi Cheshtieh have been written. The author has tried to convey the teachings of this way correctly. From the essay "Shamayel al-Ataqiya and Razayel al-Ashqiya", there is a stone print in 1968 AH. Hyderabad Deccan and several non-printed copies.

CONCLUSION: The results of this study indicate that paying attention to practical Sufism, cite, dignity, repentance, allegiance, communication, discipleship and awakening, purification and awakening, and Sama' are among the things that Roknoddin Dabir Kashani has considered as the most important customs of The Way of Cheshtiyeh in his treatise.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6794](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6794)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 30	 0	 0

مقدمه

یکی از راههای قابل اعتماد جهت شناخت اندیشه، آراء و منش فکری و سلوک اندیشمندان گذشته، شناخت آثار مکتوب آنهاست. بازبینی و نگرش دوباره به نسخ موجود از کتب قدیمی و پرده برداشتن از رخسار این شاهدان گویای خاموش، میتواند تا حدود زیادی ما را با زوایای گوناگون ذهن صاحبان آثار آشنا نماید. علاوه بر این یکی از بهترین روش و مشخصه‌ها در معرفی پیشینه فکری و فرهنگی ملل گوناگون و سنجش اصالت آن، همین نسخ کهن است. تصحیح متون «در همه ادوار و برحسب یک ضرورت فرهنگی در هر جامعه و زمان مورد توجه و نظر بوده و در میان ملل مختلف جهان از [گذشته] تاکنون دنبال شده است» (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۸). یکی از این نسخه‌های ارزشمند نسخه «شمایل الاتقیا و ردایل الاشقیاء» اثر شیخ رکن‌الدین بن عمادالدین دبیرکاشانی خلدآبادی است که برای نخستین بار در حیدرآباد پاکستان به سال ۱۳۳۴ هـ ق به اهتمام مولوی حکیم غلام مرتضی بصورت چاپ سنگی به طبع رسید. در مقدمه رساله شمایل الاتقیا نسخه حیدرآباد در تصحیح این اثر آمده است: «پاره‌هایی چند از تصحیحی قدیمتر و تا حدی ناقص به کوشش شاه خیرات حسین فردوسی طبع شده است» (رکن‌الدین دبیرکاشانی، ۱۳۴۷ هـ ق: مقدمه). کتاب مذکور متضمن بر چهار قسم و نودویک بیان در شرح افعال اصحاب طریقت، احوال ارباب حقیقت، در وصف اوصاف باریتعالی و حضرت محمد مصطفی (ع) و لطائف و غرائب متفرقه و خلقت آدم (ع) است. کتاب «شمایل الاتقیا و ردایل الاشقیاء» مجموعه‌ای از مکتوبات و نیز اقوال شفاهی صوفیان است که مؤلف در آن به ذکر احوال و اندیشه‌ها و افکار عارفان و بزرگان تصوف چون ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری، سهل تستری، عین‌القضات همدانی و بسیاری دیگر از عارفان نامی تا عصر خویش پرداخته است و از آنان نقل قولهایی آورده است. در این اثر نویسنده ملفوظات بزرگان طریقت چشتیه از جمله برهان‌الدین غریب را به رشته تحریر درآورده است و از این نظر که یکی از اسناد بارزش در زمینه شناخت آبشخورهای فکری طریقت چشتیه در هند میباشد، بسیار قابل اعتنا است. با توجه به آنکه تاکنون درباره این کتاب و بررسی ویژگیهای فکری و طریقت چشتیه در آن پژوهشی صورت نگرفته، مسئله اصلی این جستار بررسی ویژگیهای محتوایی کتاب شمایل الاتقیا اثر رکن‌الدین دبیرکاشانی خواهد بود. در این مقاله بدنبال پاسخ به این پرسش هستیم که مؤلفه‌های عرفانی طریقت چشتیه در رساله شمایل الاتقیا بعنوان یکی از متون ارزشمند زبان فارسی در قرن هشتم کدام است؟

ضرورت و سابقه پژوهش

با وجود مطالعات گوناگونی که در زمینه عرفان و تصوف فارسی در دوره‌های گوناگون انجام شده است، هنوز نقاط تاریک و مبهم بسیاری در ادوار گوناگون و در میان آثار فارسی بجای مانده که تنها با مطالعه و ارزیابی مجدد و خاک‌زدایی از قفسه کتابخانه‌ها و مطالعه دوباره نسخ بجامانده از ادوار و سلسله‌های گوناگون، روشن شدن آن مهیا میشود. کتاب «شمایل الاتقیا و ردایل الاشقیاء» یکی از این متون است که یک نسخه کهن از آن در حیدرآباد پاکستان بصورت چاپ سنگی موجود میباشد. این کتاب دربردارنده پاره‌ای از ملفوظات برهان‌الدین غریب هانسوی (۶۵۴ - ۷۴۱ هـ ق) از مشایخ طریقت چشتیه هند است که بلحاظ دربر داشتن بخشهایی از اندیشه‌های برهان‌الدین و تعالیم عرفانی او در طریقت چشتیه حائز اهمیت بسیاری است؛ نوشته‌هایی که متضمن نکات ناب و پراهمیتی در روشن ساختن زوایای گوناگون عرفان چشتیه از منظر یکی از بزرگترین و پرآوازه‌ترین پیروان مکتب نظام‌الدین اولیاست. از آنجاکه هنوز تحقیق و بررسی جامعی پیرامون این کتاب و ارزش محتوای عرفانی آن بصورت کامل و جامع منتشر نشده است، ضروری بنظر رسید که به معرفی نسخه و ویژگیهای عرفانی آن بپردازیم.

تاکنون تلاش‌های بسیاری در زمینه تصحیح نسخه‌های خطی و معرفی آنها صورت گرفته است، اما درخصوص کتاب «شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء» تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. یکی از این پژوهش‌ها توسط موسوی (۱۳۹۱) با عنوان «سنت اخذ و اقتباس در متون و نمود آن در شمایل الاتقیا رکن‌الدین دبیرکاشانی» منتشر شده است. نویسنده در این مقاله با نشان دادن نمونه‌هایی از متن شمایل الاتقیا با سخنان عین‌القضات، به تحلیل میزان پایبندی رکن‌الدین کاشانی در نقل قول از عین‌القضات پرداخته است. از دیگر مقالات پژوهشی نسبتاً مرتبط با موضوع موردبحث ما، مقاله‌ای با عنوان «مکتوب شدن تعالیم شفاهی در طریقه چشتیه متقدم» از فریامنش و ارنست (۱۳۹۳) می‌باشد که نویسندگان در این اثر ضمن توجه به طریقت چشتیه و سنت نگارش اقوال و ملفوظات شیوخ آن از جمله نظام‌الدین اولیا و برهان‌الدین غریب توسط مریدان برجسته آنها مانند رکن‌الدین دبیر، اشاراتی به کتاب «فضایل الاتقیا» و اهمیت و جایگاه آن در انعکاس اندیشه‌های عرفانی برهان‌الدین و انتقال سنت شفاهی چشتیه بصورت مکتوب داشته‌اند. در کتاب «طریقه چشتیه در هند و پاکستان» اثر غلامعلی آریا (۱۳۷۵) نویسنده به بحث و بررسی پیرامون اندیشه‌های عرفانی این طریقه پرداخته است. از دیگر کتب مرتبط میتوان به کتابی با عنوان «خواجگان چشت سیر الاقطاب» تألیف عبدالرحیم چشتی (۱۳۸۵) نیز اشاره کرد که علاوه بر توجه به زندگی‌نامه بزرگان و مشایخ چشتیه، اطلاعات جامعی درخصوص آداب و رسوم و عقاید این فرقه در اختیار خواننده قرار میدهد.

روش مطالعه

روش پژوهش در این جستار به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی براساس نسخه اصلی (اساس) و شواهد مستخرج از آن می‌باشد. نسخه مورداستفاده در این جستار از نسخه اساس «چاپ حیدرآباد دکن» می‌باشد که تصحیح انتقادی در رساله دکتری زهرا رحیمی در دانشگاه سمنان در حال تدوین است.

بحث و بررسی

بسط و گسترش ادبیات عرفانی چشتیه از طریق تقریرات شفاهی (ملفوظات) پس از نظام‌الدین اولیاء، در گفتار چند تن از مریدان وی از جمله برهان‌الدین غریب (م ۷۳۸ هـ. ق) بصورت گسترده‌ای منعکس شد. این ملفوظات طریقت چشتیه در گفتارهای برهان‌الدین غریب در چندین متن تصحیح‌نشده یا ناقص تصحیح‌شده (برجای مانده است که تاکنون چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته است. تحلیلی از این متون از جمله کتاب «شمایل الاتقیا» اثر رکن‌الدین کاشانی بنحو چشمگیری به فهم و بسط درک ما از عرفان چشتیه و گسترش ملفوظات و حفظ آن می‌افزاید. «از قرار معلوم ثبت و ضبط تعالیم شفاهی نظام‌الدین اولیاء [و شاگردانش از جمله برهان‌الدین غریب] تصمیم ارتجالی مریدش، امیرحسین سجزی دهلوی شاعر (۶۵۱ - ۷۳۷ هـ. ق) [برای نخستین بار] بود. از ۷۰۷ هـ. ق هرگاه فراغت از وظایف دیوانی به حسن، شاعر دربار، اجازه میداد که در دهلوی بماند، تا آنجا که میتوانست گفتگوهای پیرش را ضبط میکرد. کتاب حاصل از این گفتگوها، فواید الفؤاد [تصحیح محمد لطیف ملکوت: لاهوت / ۱۳۸۶ هـ. ق] نامیده میشود. فواید الفؤاد گزارش مکتوب بسیار دل‌انگیزی از تعالیم صوفیانه نظام‌الدین است و بیگمان یکی از رایجترین آثار صوفیانه در هند به شمار می‌آید» (فریامنش و ارنست، ۱۳۹۳: صص ۶ - ۷). سنت مکتوب نمودن ملفوظات و تقریرهای شفاهی بزرگان مکتب چشتیه ادامه یافت و پس از نظام‌الدین اولیا، مرید اصلی او برهان‌الدین غریب در رأس صوفیانی بود که پس از کوچ اجباری مسلمانان دهلوی به دکن سرحلقه طریقت چشتیه

شد. رکن‌الدین دبیر کاشانی نویسنده رساله «شمائل الاتقیا» پیش از نگارش این اثر، بخشی از ملفوظات برهان‌الدین را در «نفایس الانفاس و لطایف الالفاظ» گردآوری نمود و این اثر را در چهل‌وهشت مجلس از ۷۲۸ ه. ق تا ۷۳۲ ه. ق به رشته تحریر درآورد. رکن‌الدین مانند حسن دهلوی قصد داشت تعلیم شیخ خود را بدرستی انتقال دهد؛ ادامه این سنت به قلم رکن‌الدین کاشانی در کتاب «شمائل الاتقیا» به ظهور رسید.

شرح حال نویسنده

از خواجه رکن‌الدین کاشانی، زندگی، ولادت و وفات وی اطلاعات چندانی در دست نیست. در تذکره‌های تاریخی، ولادت و وفات خواجه بدرستی بیان نشده اما آنچه مسلم است نام وی رکن‌الدین و نام پدرش عمادالدین کاشانی خلدآبادی است. براساس مستندات بدست‌آمده «عمادالدین کاشانی چهار فرزند پسر به نامهای عمادالدین، مجد یا مجدالدین، رکن‌الدین و برهان‌الدین داشته است که هر چهار برادر از یک مادر بوده‌اند. این چهار برادر به چهار برادر کاشانی معروف و هر چهار برادر از صوفیان بنام طریقه چشتیه و صاحب تألیفات متعدد بوده‌اند. برخی نوشته‌های ایشان در دست و تعداد بسیاری از آنها مفقود شده است و فقط نامی از آنها در میان کتب مشایخ چشتیه به چشم می‌خورد» (ر.ک آریا، ۱۳۸۳: صص ۹۷ - ۱۱۷). رکن‌الدین با لقب «دبیر» از عارفان طریقت چشتیه بوده که در اوایل نیمه قرن هفتم ه. ق در جنوب هندوستان میزیسته است. از سال ولادت او اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما از آنچه خود وی در مقدمه کتاب «شمائل الاتقیا و ردایل الاشقیاء» به رشته تحریر درآورده است، آنکه در حوالی سالهای ۷۲۷ ه. ق نوجوانی بیش نبوده و مقبره وی اکنون در خلدآباد شریف در جنب مزار فیض الانوار برهان‌الدین غریب قرار گرفته است. رکن‌الدین را «مرید برهان‌الدین غریب و شیخ زین‌الدین داوودبن حسین شیرازی از جانشینان برهان‌الدین غریب دانسته‌اند» (لعل بدخشی، ۱۳۷۶: صص ۵۱۴ - ۵۱۵).

معرفی اثر

«شمائل الاتقیا» از کتب ملفوظات مربوط به شیخ برهان‌الدین غریب است که به قلم رکن‌الدین کاشانی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب را میتوان تا اندازه‌ای گزارش صرف از اقوال برهان‌الدین غریب دانست که بعنوان مجموعه‌ای کلان (در چاپ سنگی کمیاب) و نیز منتخباتی از اخبار و اقوال شفاهی و مکتوب صوفیه که طیف و جهتگیری کاملی از سیروسلوک عرفانی را دربر میگیرد، به حساب آورد. شیخ رکن‌الدین در مقدمه این اثر فهرستی از بیش از دویست‌وپنجاه نفر از قدما و مراجع کهن دین و تصوف را مورد توجه قرار داده که در هر صفحه از آن بعنوان منبع از آنها نقل قول کرده است. این رساله شامل منابع فارسی و عربی متشکل از حدود ۷۵ کتاب علوم دینی (تفسیر قرآن، کلام، فقه و حدیث) و چیزی در حدود ۱۲۵ کتاب در باب تصوف و ۵۰ کتاب در باب اخبار شفاهی است که بنظر میرسد شماری از این نقل قولها در جای دیگری جز این مأخذ ذکر شده باشد. نیز متضمن بخشهایی از چند رساله مفقوده درخصوص تصوف است. این آثار مشتمل است بر «رموزالوالهین رکن‌الدین ۶۸ نقل قول»، «تفسیر رموز وی ده نقل قول»، دو اثر از حمادالدین، «اسرارالطریقه پنج نقل قول»، «حصول الوصول شش نقل قول». شیوه رکن‌الدین در نگارش این اثر به آن صورت است که بخش نخست کتاب در باب شعائر اسلامی در پنجاه‌ودو باب و مقامات باطنی سیروسلوک به بحث پرداخته است. در بخش دوم تحلیلی از احوال عرفانی ارائه شده است. بخش سوم و چهارم درخصوص کلام و انسانشناسی است که نسبت به دو بخش قبل بسیار کم‌حجمتر و شبیه تکلمه و ضمیمه‌ای است. کاشانی هر فصل را با آیات قرآن یا احادیث مأثوره آغاز کرده است و پس از آن

گزیده‌های فقهی، کلامی و تفسیری را ارائه داده است. بلحاظ ارزش و اهمیت میتوان این اثر را یکی از آثار بسیار ارزشمند در بسط و گسترش ملفوظات برهان‌الدین غریب و تعالیم شفاهی او دانست. رکن‌الدین کاشانی هدف خود از تألیف رساله را چنین بیان کرده است: «اقوال و شمایل مختلفه اتقیا و اولیا و احوال و خصائل نوعه اذکیا و اصفیا خارج تألیفات و تصنیفات مذکوره از عجایب ذهنی و غرائب بطنی که از زبان گهربار و تقریر در نثار آن کاشف مشکلات فرقان و مبین معضلات برهان‌اعنی پیر و مربی و شیخ منبئی خود سماع شده است در این رساله مکتوب و مسطور کند...» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ هـ. ق: مقدمه). خواجه رکن‌الدین در دیباچه رساله مذکور به تفصیل از تمامی منابع و کتبی که مورد توجه قرار داده، یاد کرده است. قوت القلوب، کتب امام محمد غزالی، تصانیف عین‌القضات همدانی، تفسیر سلمی، قشیری، کشف زمخشری و... از نمونه‌های مورداستفاده رکن‌الدین کاشانی است.

آشنایی رکن‌الدین بن عماد کاشانی با خواجه برهان‌الدین غریب از مشایخ چشتیه در پی تخریب دهلی و کوچاندن مردم آنجا توسط سلطان محمد تغلق شاه دومین شاه سلسله تغلقیه از بازماندگان خاندان تیموری بود. سلطان غیاث‌الدین الغ خان ملقب به تغلق شاه در سال ۷۲۵ هـ. ق به سلطنت رسید. از اقدامات مهم او کوچاندن اجباری مردم دهلی به دواگری «دئوگیری» یا دولت‌آباد بود (نهادندی، ۱۹۲۵: ۱ / ص ۳۴۷). در تاریخ فرشته آمده است که در پی این جریان خواجه رکن‌الدین با خواجه برهان‌الدین غریب آشنا میشود و در سلک مریدان وی درمی‌آید (ر.ک: هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸: ۴۰۹). بجز پدر یعنی خواجه عمادالدین و نیز برهان‌الدین غریب از اقطاب طریقت چشتیه میتوان از خواجه مجدالدین، خواجه جمال‌الدین و سید زین‌الدین داوود شیرازی بعنوان دیگر استادان خواجه رکن‌الدین بن عماد یاد کرد. درخصوص پیروی خواجه عمادالدین از طریقت چشتیه و شاگردی برهان‌الدین غریب آمده است: «برهان‌الدین در دواگیری خانقاهی بنا کرد و به تعلیم مریدان همت گماشت و در میان صوفیان و مردم آن دیار محبوبیت و مقبولیت بسیار یافت؛ هرچند پیش از او برادرش شیخ منتخب‌الدین برای تبلیغ طریقت چشتیه به دکن رفته بود اما با توجه به اهمیت چشمگیر و تأثیر فراوان برهان‌الدین در نشر این طریقت در آن سرزمین، میتوان او را بنیانگذار و مروج اصلی سلسله چشتیه در دکن به شمار آورد... برهان‌الدین شاگردان بسیار پرورد که از آن میان رکن‌الدین کاشانی از خلفای برجسته او بود» (ر.ک: هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸: ۱/ص ۲۷۷؛ چشتی، بی تا: ۱/ص ۸۸۵؛ صباح‌الدین عبدالرحمن، ۹۹۰ م: ۱/ص ۲۹۱).

رکن‌الدین کاشانی بجز کتاب «شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء» کتاب «نفاس الانفاس» از ملفوظات برهان‌الدین غریب را نیز گردآوری نموده است. این مجموعه در کتابخانه «ندوه العلماء» نگهداری میگردد (ر.ک شمس، ۱۳۶۷: ص ۱۲/صص ۴۷۸۱ و ۴۸۱۱). از شواهدی که در کتاب نفایس الانفاس به دست می‌آید اینکه خواجه رکن‌الدین، صاحب دیوان شعری نیز بوده که تاکنون اثری از آن در دست نمیباشد. از دیگر آثاری که به شیخ رکن‌الدین منتسب است رساله غریب (شامل ۴۹ نقل قول)، و رموز الوالهین (شامل ۶۸ نقل قول) است. ملفوظات چشتیه که در این کتاب منعکس شده است و مرز میان گفتار شفاهی و متن را دربر میگیرد، بنحو مشهودی در این اثر به چشم میخورد. لازم به ذکر است که رکن‌الدین نگارش این اثر را در زمان حیات برهان‌الدین غریب آغاز کرده است و برهان‌الدین پنج بخش نخست آن را تأیید کرده و به رکن‌الدین لقب «دبیر معنوی» بخشیده است. از برهان‌الدین تعداد ۱۶ مرتبه با عنوان و نام وی (صص ۲۱، ۴۷، ۵۳، ۶۸، ۶۹، ۹۸، ۱۳۷، ۱۵۱، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۳۸، ۳۸۱، ۳۸۳ و ۳۸۴) و تعداد شانزده مرتبه دیگر با عنوان «خدمت خواجه» (صص ۵۲،

۵۳، ۶۸، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۶۸، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۷۶، ۲۸۱ و ۴۸۱) نقل قول شده است. از متن شمائل الاتقیا برمی‌آید که رکن‌الدین، مستمعان و صوفیان خاص و درس‌خوانده‌ای را مورد توجه قرار داده است.

مشخصات نسخه‌شناسی

همان‌گونه که ذکر شد تاکنون یک نسخه چاپ سنگی از کتاب مذکور در دسترس است که با قدمتی بیش از یک قرن با جلد گالینگور، قطع وزیری، تعداد صفحات (۳۶۶) به اهتمام مولوی حکیم غلام مرتضی در حیدرآباد پاکستان به چاپ رسیده است. دیگر نسخه‌های موجود شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- نسخه تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه ۳ / ۲۵۹۵. خط نستعلیق؛ زمان تقریبی اثر: قرن دهم، ۲۳۷ صفحه.
- ۲- نسخه تهران، دانشگاه تهران. شماره نسخه ۲ / ۲۰۶ ۲۰۵. کاتب نسخه: خوشحال بیگ قراقوشچی. ۱۷۴ برگ. تاریخ جمادی الاول ۱۱۱۲ هـ.ق.
- ۳- نسخه تهران، دانشگاه تهران، شماره نسخه: شاه منصور قاری. تاریخ: جمادی الاول ۱۲۷۳ هـ.ق. ۳۵۹ صفحه.
- ۴- تهران، مجلس. شماره نسخه ۴ / ۱۳۰۲. خط نستعلیق. قرن ۱۱. (منتخب: ۱۵ صفحه).
- ۵- تهران، مجلس، شماره نسخه ۵۴۵۶۶، خط نستعلیق، به اهتمام: مولوی حکیم غلام مرتضی.
- ۶- ترکیه کتابخانه استامبول، شماره نسخه ۱۵۵۲، اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم. ۱۴۷ صفحه.
- ۷- نسخه اساس: پاکستان: نسخه خطی شمائل الاتقیا و رذایل الاشقیاء به اهتمام مولوی حکیم غلام مرتضی صاحب مهمتم.

طریقت چشتیه

نام طریقت چشتیه از ناحیه «چشت» در افغانستان گرفته شده است. چشت «از مواضع هراترود است که امروزه در ۹۰ کیلومتری شرق هرات و حدود ۳۰ کیلومتری شرق شهر قدیمی اوبه قرار گرفته و هریرود از وسط آن جاری است. از آثار تاریخی آن، دو خانقاه از دوره ملک غیاث‌الدین محمد غوری متعلق به مشایخ چشت است» (ر.ک: اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۱۰۴؛ بادنج، ۱۳۸۶: ۱۱/۱ صص ۸۲۶ - ۸۲۷). «چشت نام قریه است؛ غریب به هرات رود و اوبه و شاقلان در کمال صفوت هوا و عذوبت ماء و از آنجا بوده‌اند بزرگان سلسله چشتیه که سرسلسله آنها ابراهیم ادهم قدس سره بوده است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه). چشت را «چشت شریف» نیز می‌خوانند و این وجه تسمیه، مرهون عرفان و زاهدانی است که از این دیار برخاسته‌اند (سیفی هروی، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

طریقت چشتیه توسط خواجه معین‌الدین چشتی تأسیس شد و پس از آن توسط نظام‌الدین اولیا در شبه‌قاره هند بسط و توسعه یافت. رشد و گسترش اسلام و عرفان در هند، مرهون و مدیون عوامل بسیار گوناگونی بود. مورخان اسلامی در خصوص نفوذ و گسترش اسلام در شبه‌قاره هند به نقش دولت و حکومت غزنوی و فتوحات محمود غزنوی توجه نموده‌اند؛ در این میان ارتباط سیاسی، فرهنگی و حتی تجاری میان هندوستان و ممالک دیگر از جمله ایران سبب ارتباط هرچه بیشتر میان این دو فرهنگ و تمدن و در نتیجه نفوذ اسلام و عرفان گردید (ر.ک: رضوی، ۱۳۸۰: ۱۵۸). برجسته‌ترین میدان خواجه معین‌الدین چشتی «دو مرکز مهم چشتیه را تأسیس نمودند. یکی در دهلی توسط بختیار کاکاکی و [دیگری] در تاگور توسط حمیدالدین تأسیس شد و پس از آن مرکز دیگری توسط فریدالدین گنج شکر، مرید بختیار کاکاکی در اجودهن [=پنجاب]، ایجاد شد» (کیخای فرزانه و سلیمی خراشاد، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

سلسله چشتیه شجره و عقبه خود را به حسن بصری، ابراهیم ادهم و حضرت علی (ع) میرسانند. گیسودراز در اینباره میگوید: «این معامله متبعان است از امت محمد (ص) و روان امیرالمؤمنین علی، مشایخ اکثر تعلق به علی (ع) دارند» (حسینی، ۱۳۵۶: ۹۳). سلسله چشتیه تا عهد خواجه عثمان هارونی (م ۶۱۷) در ناحیه خراسان و چشت اقامت داشتند، اما هسته مرکزی و اصلی آنها از زمان معین‌الدین چشتی (م ۶۳۳) در هند به حیات خویش ادامه داد. تعارض این فرقه با صاحبان زور و زر، حاکمان و زاهدان ریایی و گشودن درهای خانقاه از سوی پیروان این طریقت به روی نیازمندان و فقها، سبب اعتبار و افزایش شمار پیروان آنان بود.

سلسله چشتیه از لحاظ عقاید «سنتی مذهب و در فروع تابع مذهب حنفی هستند. تعلیمات و روش مسالمت‌آمیز بزرگان این سلسله و ساده بودن روابط مرید و مراد در مقایسه با دیگر سلاسل از دیگر ویژگیهای آن است؛ بگونه‌ای که برای قبول مرید راههای سهل‌الوصول و آسان بحدی وجود دارد که حتی لازم نیست مرید و طالب، پیر و مرشد را زیارت کند یا شخصاً به حضور او برسد؛ اما نخستین شرط مرید آن است که خود را از معاصی "تخلیه" کند (توبه) و نفس را به حلیه عبادت آراسته سازد. رونده راه طریقت یا مرید تا راه معرفت طی کند در اصطلاح سالک نام دارد و اگر در این کار اندک وقفه‌ای افتد، او را واقف خوانند» (آریا، ۱۳۸۳: صص ۱۹۳ - ۱۹۷). از دیدگاه چشتیه خدمت به خلق، شفقت با همه موجودات و جانداران بسیار حائز اهمیت بود؛ بگونه‌ای که پیروان این سلسله معتقد بودند تمامی موجودات، خداوند را به یگانگی پرستش مینمایند و معشوق ازلی در تمامی ذرات هستی و عالم امکان متجلی است؛ از اینرو آزار هیچ موجودی را روا نمیدانستند. چشتیه بر سماع بسیار تأکید داشتند و ترک آن را تحت هیچ عنوانی روا و جایز نمیدانستند. اهمیت سماع نزد چشتیه تا بدان حد بود که تصانیف مستقلاً از جمله «نغمه عشاق» از چشتی صابری و دیگر کتب در خصوص اباحت سماع نوشته شد که در آن نویسندگان و پیروان این فرقه سعی نمودند با استناد به منابع روایی و احادیث، بر جایز بودن سماع تأکید نمایند. از دیگر اصول و پایه‌های محکم اندیشه و اعتقاد پیروان طریقت چشتیه، «تجربید» است؛ چنانکه سالک تا در دام و بند خویش باشد، نخواهد توانست به وصال معشوق دست یابد و عظمت او را درک نماید. مراقبه، دوری از مداخلات و وابستگیهای سیاسی و دربار پادشاهان و حاکمان و توجه به عشق بعنوان بنیان و اساس خلقت، از دیگر مبانی اصلی و اساسی این فرقه است. پیروان چشتیه توجه بسیار عمیق و دقیقی به عشق در تمامی ذرات هستی و کائنات دارند و عشق را عنصری جاری در میان تمامی موجودات و ذرات عالم به شمار می‌آورند (ر.ک: آریا، ۱۳۸۷: ۲۱۹؛ رضوی، ۱۳۸۰: ۱۱۷ و مجتبیایی ۱۳۷۷: صص ۵۹ - ۶۸).

مشایخ چشتیه ایران و هند: از مشایخ چشتیه ایران که بیشتر در خراسان به ترویج عقاید خویش میپرداختند میتوان به این بزرگان اشاره نمود. «خواجه ابوحامد ابدال چشتی» (۲۶۰-۳۵۵ ه.ق)، «استاد مردان» متوفی به سال ۴۱۱ ه.ق در ولایت خواف، «خواجه مودود» متوفی به سال ۵۲۵ ه.ق در هرات، «رکن‌الدین محمود سنجانی» متوفی ۵۹۷ ه.ق و «حاجی شریف زندنی». «از زمان حاجی شریف زندنی، سجاده‌نشینی به اشخاصی غیر از خاندان چشتیه نیز تعلق گرفت و طریقت چشتیه به خارج از چشت هرات در سایر مناطق خراسان اشاعه یافت... از مشایخ چشتی هند خواجه معین‌الدین چشتی مجذوب بود... خواجه معین‌الدین طی سفرهایش به بلخ، غزنه، لاهور و اجمیر با مشایخی چون نجم‌الدین کبری، عبدالقادر گیلانی، ابونجیب عبدالقاهر سهروردی دیدار داشته است. او در مسیر رفتن به هند مدتی در لاهور در جوار مقبره هجویری در زاویه خلوت نشسته و پس از آن در دهلی ساکن شده و از آنجا به اجمیر رفت. اجمیر پس از ورود خواجه معین‌الدین در ۵۶۱ ه.ق پایگاه چشتیه شد. طریقت چشتیه بتدریج از اوایل قرن هفتم هجری از ناحیه هرات و خراسان بزرگ به شبه‌قاره هند گسترش

یافت. خواجه عثمان هارونی مؤلف *ملفوظات انیس الارواح*، سید عثمان مروندی، شیخ قطب‌الدین بختیار، شیخ فریدالدین شکرگنج و نظام‌الدین اولیا متوفی ۷۲۵ از بزرگان طریقت چشتیه هند به شمار می‌آمدند» (نصیری جوزقانی و همکاران، ۱۳۹۴: صص ۱۱۰ - ۱۱۱).

انحطاط طریقت چشتیه: از اوایل قرن هشتم مصادف با روی کار آمدن جانشینان خواجه نظام‌الدین اولیا، طریقت چشتیه از مرکزیت افتاد. یکی از دلایل اصلی انحطاط این طریقه را دخالت بزرگان آن در امور سیاسی و به قدرت رساندن حاکمان و عزل و نصبهای سیاسی دانسته‌اند که با اصول اولیه مرامنامه این فرقه در تضاد بود. «از مرکزیت افتادن سجاده‌نشین واحد چشتیه و ظهور سجاده‌نشینهای مستقل و خانقاههای متعدد چشتیه و نیز موروثی شدن سجاده‌نشینها با انتخاب فرزندان پیران و مرشدان به جانشینی توسط پیران، پس از نصیرالدین چراغ دهلوی است» (آریا، ۱۳۸۳: ۱۷۶). از دیگر دلایل انحطاط فرقه چشتیه میتوان به این موارد اشاره کرد: «گسترده‌گی حوزه جغرافیایی این طریقت و نیز ادغام فرهنگهای گوناگون پیروان این طریقت که از گروه‌ها و ملیتهای مختلف چون هندو، بنگالی، خراسانی، و ماوراءالنهری بودند برمیگردد؛ همچنین عدم ظهور مشایخ بزرگ در این طریقت پس از چراغ دهلوی و دوری از مأموریت مشایخ نخستین این سلسله که هدف اصلیشان گسترش اسلام در شبه‌قاره است، جستجو کرد... پس از فریدالدین شکرگنج، بیشتر مشایخ در پی شهرت و ایجاد انشعاب در طریقت چشتیه و کسب درآمد از خانقاهها بودند. در واقع غلبه یافتن اهداف دنیوی بر اهداف متعالی و معنوی آنها به سیر انحطاط آن افزود» (نصیری جوزقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

طریقت خواجه رکن‌الدین

خواجه رکن‌الدین از جوانی به تحصیل علوم دینی اشتغال داشت؛ چنانکه از مقدمه کتاب «شمائل الاتقیا» برمی‌آید، وی بقصد تحصیل نزد استادان علم در دولت‌آباد، آکرا و نهبون رفته و آنجا از محضر خواجه سید زین‌الدین داوود شیرازی نیز بهره گرفته است (دبیرکاشانی، ۱۳۴۷ ه. ق: مقدمه). خواجه رکن‌الدین در مقدمه رسائل خویش مینویسد: «حصیر رکن‌الدین عماد دبیر بر ضمیر حقیق‌دیر متقیان شمایل متقابل خاص الخاص و به ذهن حقایق تأثیر متفنان خاصیل متقیان با اختصاص روشن و مصرح و مبرهن و منقح میگرداند در آنکه این امیدوار به ارادت سابقه و مشیت نافذه به قبول دولت پیوند و شرف سعادت ارادت حضرت با برکت قطب المدار سلطان‌العارفین شیخ‌الاسلام و المسلمین مقتدا المحققین زبده السالکین برهان الحقیقت و الیقین انیس الرب جلیس الاله نائب رسول الله المخصوص بقرب المجیب المخطوب بخطاب الغریب اسس الله دعایم ولایته و رفص قوائم هدایته مقبول و مشرف شد هم در مبادی حصول نعمت بیعت ظاهر این نحیف را به اوراد و نوافل اصحاب شوق و محبت و ارباب عشق و معرفت پرورش داده و باطن این ضعیف را به دقائق معانی کاملان و حقایق اسرار منتهیان مزین گردانید. بسیاری از یاران و بیشتری از برادران صاحب سران از عشایر و اجانب و اباعد و اقارب به متابعت و مصاحبت این امیدوار در سلک چاکران و ربه‌مریدان حضرت منسک شدند و عنقریب الایام هر یکی از آن انام بمرتبه مقتدایان با نام و درجه مشایخ و اولیای عظام رسیدند» (همانجا).

اندیشه‌ها و آداب و رسوم چشتیه در رساله «شمائل الاتقیا» از رکن‌الدین دبیر کاشانی

تصوّف عملی، شناخت و معرفت خدای تعالی: در طریقت چشتیه مانند سایر طریقه‌های عرفان اسلامی، هدف اصلی شناخت و معرفت نفس میباشد. عالم سایه‌ای از تجلی حق و حقیقتی از اوست؛ لذا سالک عاشق تمامی همت

خویشتن را درجهت مطلوب حقیقی و وصول به ذات حقیقت و رهایی از تعینات و تعلقات ظلمانی که حجاب راه است باید مصروف بدارد. در این مسیر نخستین گام، توبه از خویشتن و ماهیت وجودی خویش بعنوان «موجود» در برابر «وجود» اصلی یعنی حق تعالی و توبه از گناهان است. رکن‌الدین کاشانی در رساله «شمائل الاتقیاء» شروط توبه را چنین برشمرده است: «تائب را باید که وقت توبه غسل کند و دوگانه بگذارد و از ولایت مشایخ استمداد نماید و بحضرت حق مناجات کند و بگوید الهی ظاهر را بدانچه امکان من بود به توفیق تو پاک کردم و به باطن دست نمی‌رسد. تو به عنایت خود آنچه غیر تُست از دل من پاک کن... شرط دیگر تائب اول ندامت و وخامت از معاصی ماضیه کند... شرط دیگر توبه از خوف عقوبت دوزخ و به امید بهشت نکند... بنده من نه آن است که گنه نکند، بنده من آن است که گنه کند و زود به در من آید» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ ه.ق: صص ۱۳-۱۴). رکن‌الدین کاشانی توبه‌پذیری باریتعالی را به سهولت و سادگی قابل توجهی شرح میدهد؛ چنانکه خطاب حضرت حق به بنده گنهکار و شرط پذیرش توبه را، تنها میل به بازگشت بنده به درگاه حق میدانند:

خلاف کردی و بد کردی و خطا کردی بیا که آنچه تو کردی از این طرف بحلست

(همان: ۱۵)

از همین رو قطع هواجس نفسانی و وسوسه‌های شیطانی در طی طریقت سلوک الی الله باید همواره مدّ نظر قرار گیرد. رکن‌الدین در توصیف این ویژگی می‌گوید: «بجز خدای تعالی التقات هیچ‌گیری در ننماید و جمیع موجودات را معدوم تصور کند... و همه وقت به ظاهر و باطن به تجرید و تفرید آراسته بود» (همان: ۲۵). نیز می‌گوید «تا از افعال ذمیمه پاک شوی و به اخلاق حمیده آراسته نگردی به بهشت نرسی. ذمیمه و حمیده که در هفت عضو است این است: عضو چشم حمیده گریستن از خوف و شوق حق و نگریستن به قرآن و بیداری شب برای ذکر و فکر و دیدن به رویه‌های اولیا و به روی والدین و به آثار صنع باری جلّ و علا که در جمیع مخلوقات و موجودات است... و نظر بر سجدگاه داشتن» (همان: ۱۶-۱۷). این تزکیه و تصفیة نفس که در حقیقت مرحله «کشف» خویشتن است، زمانی که بدرستی به تحقق بپیوندد سبب «تخلّی» سالک از خویش میشود و قلب او از غیر خدا پاک و عاری میگردد و جز خدا را در وجود و قلب خویش نمی‌یابد؛ ازاینرو تنها قلوب خالی شده از غیر حق میتوانند حقیقت و رموز عالم بالا را دریابند:

اسرار و رموز عالم جبروتی کی فهم کنند زمرة ناسوتی

(همان: ۱۹)

ازاینرو «هر کرا به معاصی خود بینه گردانیدند، به سعادت محبوبی خود اختصاص دادند [که] اذا احب الله عبد لم نصیره ذنب» (همان: ۲۱). و شرط اول قدم برای رسیدن به چنین مرتبه‌ای توبه است: «سرّ این معنی است هر کرا معصیتی مستولی شده باشد، اگر هفت بار به جهد تمام دست از آن بازدارد، حقتعالی اعراض از آن معصیت به آسانی روزی کند» (همانجا). رکن‌الدین به اصل بخشش عام خداوند و توبه‌پذیری اشاره میکند و معتقد است رحمت خداوند بر غضب وی سبقت دارد؛ از این روست که: «مغفرت حقتعالی چون یکی را در آخرت به گناهی که در دنیا کرده بود بیامرزد، همه را بدان گناه بیامرزد و اگر یکی را به حسناتی قبول کند، دیگران را نیز قبول کند» (همانجا). تعلقات در این مسیر بار خاطر سالک است؛ ازاینرو در تعالیم چشتیه آمده است که: «هر کو این دو چیز بدست آمده در سلوک ثابتقدم ایستاد و خمیرمایه همه سعادتها در دامنش بستند؛ یکی تزکیة نفس دوم توجه تام؛ چه اینجا تخلیه و اعراض مطلوب کافی است فی فناء فی الصمدیه» (گیسودراز، ۱۳۶۲ ه.ق: ۸۱). رکن‌الدین کاشانی در معنی دعوت به نقل از سهروردی می‌گوید: «معنی دعوت خواندن است کسی را بسوی چیزی و بسوی کسی و آن

متنوع است به حکمت و به موعظت و به جدل باشد کما قال الله تعالی ادع الی سبیل ربک الحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن یعنی ای محمد هر که را نفس او بر دل غالب باشد دعوت او را موعظت نیکو کن، این در حق ابرار است بیان دادن بهشت و دوزخ و هر کرا دل او بر نفس او غالب باشد او را به حکمت دعوت کن. این در حق ساکنان و طالبان حق بود که به یافتن صفای باطن و معرفت و توحید و قرب امیدوار باشند» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ه.ق: ۲۲). کاشانی در این عبارات به لزوم تأکید برگزیدن پیر توسط سالک نیز اشاره دارد که در مبحث بعد به آن خواهیم پرداخت. از اینرو از آفات سلوک آن است که سالک در قید شغل دنیا و مأنوس به آن باشد. «در حدیث است از رسول الله صلی الله علیه و سلم که حب الدنیا رأس کل خطیئه تا بنده به صیقل محبت زنگار دنیا از آینه دل خود پاک نکند و هستی غیر از میان برنخیزد، حاشا و کلاً به خدای تعالی نتواند رسید» (نظام‌الدین اولیا، ۱۳۰۹ ه. ق: ص ۶؛ ر.ک: فتوحی مرنست، ۱۳۹۹).

توبه: در طریقت چشتیه «نخستین شرط مرید آن است که خود را از معاصی تخلیه کند تا شایستگی آن را داشته باشد که نفس را به حلیه عبادت آراسته سازد. از نظر چشتیه توبه چنان لازم است که بعضی مشایخ توبه و ارادت را یکی دانسته‌اند؛ چنانکه هرگاه کسی به نزد شیخ به نیت ارادت (مریدی) می‌آمد، اول میبایستی فاتحه و اخلاص بخواند؛ سپس آمن الرسل؛ آنگاه میفرمود: بیعت کردی بر من ضعیف و خواجه این ضعیف و خواجه‌گان خواجه ما بر پیغمبر (ص) و با حضرت عهد کردی که دست و پای و چشم نگاه داری و بر نهج شرع باشی ان شاءالله تعالی» (آریا، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

توجه به پیر و رابطه مرید و مراد: در اهمیت جایگاه پیر در آیین چشتیه، خواجه نظام‌الدین اولیاء معتقد است «پیر مشاطه مرید باشد تا آن زمان که مرید را از همه آرایشها چنانچه شرط است در طریقت و راه رفتن، پاک نکند همچنان دان که آن بیچاره در ضلالت بماند که هرگز بیرون آمدن نتواند» (نظام‌الدین اولیا، ۱۳۰۹ ه. ق: ۵۵؛ ر.ک: فتوحی مرنست، ۱۳۹۹). از اینرو درویشی و طی طریق سلوک با «حضور دل» در خدمت پیر انجام میشده است. در طریقت چشتیه، خدمت و روی آوردن سالک به مراد و پیر و ابراز ارادت به وی را از این رو «تحکیم» می‌گفتند که بنوعی پیر، جانشین رسول خداست و مرید را همان میزان اطاعت از او واجب است که اطاعت از رسول خدا (ر.ک: سجزی، ۱۳۹۰: صص ۱۹ - ۲۰). در اهمیت مقام و جایگاه شیخ و وجوب اطاعت از وی رکن‌الدین چنین می‌گوید: «قال النبی صلی الله علیه و سلم الشیخ فی اهله کالنبی فی امته:

گفتم که پیمبری تو یا پیر گفتا که دوی ز راه برگیر

و در کتب مشایخ معتبر مسطور است من لیس له شیخ، فشیخه ابلیس. پس شیخ به صفات انبیا موصوف یابد انبیا را وحی طی بود و شیخ را وحی خفی باشد، انبیا نواب و خلفای حق بودند، شیخ کامل و واصل نیز نایب و خلیفه رسول باشد، انبیا را حقتعالی بی واسطه گیری علوم تعلیم کرد؛ چنانچه مهتر آدم علیه السلام را علم اسماء و علم آدم الاسماء کلها... شیخ هم باید عالم علم ربانی باشد، شیخی به صورت و جبه و دستار و طاعت و عبادت ظاهر کردن نه باشد، حقتعالی مهتر خضر را مقام شیخی داد و مهتر موسی را به وجود آنکه دولت و کلم الله موسی تکلیما و به سعادت و کتبنا له فی الالواح من کل شیء موعظه رسیده بود به مریدی و تعلیم علم من لدنی بر مهتر خضر فرستاد» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ ه.ق: ۲۳).

در تعلیم چشتیه در لزوم متابعت از شیخ آمده است که: «بسیار روندگان را در این رو به بلا ناپیدا کرده‌اند و اباحت و الحاد و انحراف یکی از شعب این طریق است؛ از این بلا بجز عنایت پیر نجاتی نباشد» (گیسودراز، ۱۲۶۲ ه.ق: ۵۴؛ ر.ک: فتوحی مرنست، ۱۳۹۹). رکن‌الدین کاشانی در توصیف ویژگیهای شیخ و پیر معتقد است: «شیخ خدابخش

باید و شجاع... تا بحر خدای تعالی التفات هیچ‌گیری درنماید و جمیع موجودات را معدوم تصور کند و عالی‌همت تا اگر جمیع مرادات دنیاوی و جمهور نعمتی عقبوی بدو دهند التفات بدان نکند تا به صفت ما زانغ البصر و ماطغی موصوف شده باشد و همه وقت به ظاهر و باطن به تجرید و تفرید آراسته بود، حلیم و بارکش بود تا بندگان خدا و مریدان را ازو نفرت روی بدهد و عفو را مایه سازد تا اگر مریدی سهوی و خطایی کند، به نصیحت و معالجت پیش آید نه به سختی و درشتی» (همانجا). از دیگر آداب طریقت چشتیه «بیعت» است. «خواجه نظام‌الدین اولیا، به استناد بیعت رضوان که پیامبر (ص) با یکی از صحابی برای بار دوم دست بیعت دادند، [بیعت] و تجدید بیعت را مجاز میدانند؛ اما در تجدید بیعت بر این نظر است که اگر شیخ حاضر نباشد، مرید میتواند در غیاب شیخ بجای دست شیخ، جامه شیخ را پیش نهد و با آن جامه بیعت نماید. در مواردی نیز بعثت حضور گسترده مریدان، آستین شیخ را از بامی آویزان میکردند تا مریدان با بوسیدن آن با شیخ بیعت نمایند» (نصیری جوزقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

رکن‌الدین کاشانی نیز در ضمن توضیح و توصیف اوصاف شیخ و مراد، به «بیعت» مریدان و شرایط آن اشاراتی دارد: «شیخ را اینقدر قوت دل باید که چون کسی بر او بجهت بیعت آید، به نظر باطن خود قابلیت صیقلی و دفع زنگار سینه و دل و سعادت و شقاوت او بداند؛ بعد از آن دست او بگیرد و به خدا رساند و اگر این مقدار قوت پیر را نباشد او دفع زنگار سینه او را که دنیا و جز آن آلوده باشد صیقل دهد تا هیچ کدورتی از غل و غش و حسد و بُخل و آرایش دنیا که در سینه اوست نماند بعد از آن دست بگیرد؛ پس حقیقت بدان که پیر و مرید هر دو در بادیه ضلالتند] چنانچه حضرت با برکت [شیخ برهان‌الدین] شیخ این ضعیف میفرمود: هر که [بر این مسکین] برای بیعت می‌آید، در لوح محفوظ نظر میکنم اگر او از سعادا است فی الحال دست میدهم [بیعت میکنم] و اگر برعکس است، چند گاه توقف میکنم تا از خدا خواهم که او سعد شود بعد دست میدهم» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷: ۲۶).

ازاینرو سالکی که خواهان ترقی و کسب مدارج عالی روحی و معنوی در طریقت است، نیازمند راهنمایی و هدایت پیر و بیعت با اوست. از دیدگاه طریقت چشتیه طبق آنچه رکن‌الدین کاشانی بازگو نمود، اشراف پیر بر درون و باطن سالک شرط لازم و اساسی است؛ در تأکید این مطلب آنکه: «شیخ را این مقدار قوت دل و باطن و تصفیة خاطر میباید که چون یکی برو بیاید برای بیعت، پس او را واجب است که به قوت نظر باطن خود، زنگار سینه آن کسی را که به دنیا و جز آن آلوده بود صیقل دهد تا هیچ کدورتی از غل و غش و حسد و حقد و آرایش دنیا در سینه او نماند. بعد از آن دست او بگیرد و به خدا رساند. اگر این مقدار قوت نبود، پیری را نشاید دست گرفتن را نباید. بحقیقت بدان که پیر و مرید هر دو گمراه بادیه ضلالتند» (شکرگنج، ۱۳۰۶ هـ.ق: ۳). پیر و مراد باید قدرت تصرف بر مرید را داشته باشد تا بتواند در طی طریق او را یاری نماید.

رکن‌الدین کاشانی درخصوص وظایف پیر و مراد و لزوم پرهیز آنان از دنیا و امور دنیوی و اشتغال به هدایت مرید میگوید: «شرط دیگر آن است که «شیخ را فریضه بود خلافت قبول کردن برای تربیت مریدان کما قال الله تعالی و هوالذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض» (همانجا). ازاینرو نه شیخ و نه متابعان شیخ و مریدان نباید بدنبال دنیاطلبی و کسب منافع مادی باشند: «شرط دیگر آن است که متوکل باشی و... به زراعت و تجارت مشغول نشوی و به تعیین از کسی چیزی نستانی و بر در ملوک و سلاطین [پی طلب نیروی] و هرچه از غیب رسد آن را ذخیره نکنی و بندگان خدای را سوی حق ارشاد نمایی» (همانجا).

بیعت: در معنی بیعت رکن‌الدین کاشانی میگوید: «معنی ارادت و بیعت و طریقه پیوند کردن رجال و نساء با مشایخ برحق و شرایط آن و احتیاج مریدان به شیوخ مرشد هادی و فرق میان ارادت و مشیت حق تعالی، ارادت و بیعت آنکه این خواست را به مشیت مقرون گرداند؛ یعنی به شیخ برحق وسیلت نماید قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله آیت دیگر یدالله فوق ایدیهم معنی وسیلت یک قول این است که الوسیله الی الله تعالی التقرب الی الفقرا...» (همان: ۳۶). و در معنی این عبارت میگوید: «یعنی [ای کسانی که] بیعت کردند با تو ای محمد به ایمان آوردن و اطاعت اوامر و نکرت نواهی کردن درحقیقت ایشان بیعت کردند با حق تعالی و در حالت بیعت ید قدرت الهی بر دست ایشان بوده است هر که این عهد بیعت بشکند هرآینه او نفس خود را شکسته باشد» (همان: ۳۶).

خدمت و محبت به خلق: از نظر پیروان، بزرگان و مشایخ چشتیه، اصل و اساس مذهب چیزی نیست جز خدمت به خلق. بر بنیان نظریه «وحدت وجود»، مشایخ چشتیه از این مسئله برای اتحاد افراد و نزدیک ساختن قلوب آنان با یکدیگر و رفع تبعیض و تفاوت طبقاتی بهره میجستند (ر.ک: سجزی، ۱۳۹۰: دوازده و سیزده). به همین دلیل کسب علم و دانش و بصیرت عرفانی را برای اهل تصوف امری لازم میدانستند (رضوی، ۱۳۸۶: ۴۰). خدمت به خلق و محبت با تمام موجودات هستی، یکی از ارکان اصلی و مهم در طریقت چشتیه است؛ چنانکه رکن‌الدین کاشانی در بیانی «ولایت» را نیز به «محبت» تأویل و تفسیر کرده است. «ولایت به معنی ربوبیت و به معنی محبت است؛ یعنی ما بندگان در روز قیامت هم رعایت ربوبیت و هم رعایت محبت خواهیم کرد» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷: ۵ق: ۲۹). و در موضعی دیگر میگوید: «چون ولایت به معنی ربوبیت و محبت است، شیخ صاحب ولایت هم مربی باطن مریدان باشد؛ یعنی پرورش دهنده باطن مریدان را به محبت و توحید و عشق و معرفت خدای و جز آن و هم محب باشد و هم محبوب و هم ولی باشد و هم والی حل و عقد امور ملک خود حق تعالی بدیشان مفوض کرده و ایشان را متصرفان ممالک الهی گردانیده تا مصالح دنیا و عقبی به پرداخت رسانند. قوله تعالی لهم ما یشاءون عند ربهم» (همان: ۳۲). طبق آنچه رکن‌الدین کاشانی ذکر نمود، ولایت با نگاهی تأویلی داشتن محبت به عام و خاص است. رکن‌الدین در جای دیگر در توصیف عاشقانه‌ای از «تصوف» آن را از محبت میدانند: «صوفی را از صوف گرفته‌اند و صوف را از صوف گرفته‌اند و صوف از پشم شتر بچه است آن را ندف میکنند چنانچه هبا میشود هر که در محبت خدا هبا باشد او را صوفی خوانند» (همان: ۵۰).

از دلایل اقبال و توجه عامه مردم به طریقت چشتیه، محبت و عطوفت فراوانی بود که در میان مریدان، پیروان و پیروان این فرقه مشاهده میشد تا جایی که در این طریقه تمامی مخلوقات الهی شایسته محبت بودند و برخورد تساهلی و تسامحی بزرگانی چون نظام‌الدین اولیا با مردم در این باب مثال‌زدنی است: «شیخ هر باری که به زیارت شیخ‌الاسلام قطب‌الدین آمدی، میان راه، فواحش خیمه بزه، نشسته بودند وجهی فرمودی که بر ایشان فرستادی و گفتمی که بگویند که شیخ میفرماید که قدری بروید در سایه بنشینید تا آنکه جمله فواحش آن روز برون می‌آمدند شیخ را انتظار داشته میبودند و هر بار سلام میکردند و در میان راه بیشتر می‌ایستادند، شیخ وجهی معین فرمودی تا آنکه آن مقدار برای ایشان وظیفه شکل شده بود. در عرسها البته برایشان زله و چیزی فرستادی» (گیسودراز، ۱۳۵۰ هـ.ق: ۱۲۳؛ ر.ک: فتوحی مرنست، ۱۳۹۹).

خرقه پوشی: در طریقت چشتیه، اصل و اساس عملی که نشان‌دهنده قبول این طریقت و پذیرش و عضویت رسمی این آیین باشد، خرقه پوشی است (کیایی، ۱۳۶۹: ۴۵۲). چشتیه خرقه ارادت خود را به ابراهیم ادهم و سپس به حضرت علی (ع) میرسانند. در این آیین مرید خرقه و کلاه را از پیر دریافت میکند و تأیید اینکه مرید شایستگی

دریافت خرقه را دارد، بر عهدهٔ پیر است؛ البته اشراف بر ضمیر و روشنی قلب پیر، در تشخیص سالک حقیقی از سالک واقف (متوقف‌شده در مسیر و طی طریق سلوک) نقش حائز اهمیت دارد: «در این راه پیر را قوت ذات خود میباید و ضمیر روشن بود چون یکی بر نیت ارادت بیابد، او به نظر معرفت در قلب او ببیند و به نور معرفت، سینۀ او را از جملهٔ مکنونات دنیاوی و جز آن صیقل دهد و چندگاه او را در خدمت حق مجاهد باشد. بعد از آن چون در او هیچ کدورت شهوات و هوای دنیا نماند اگر خرقه دهد روا باشد، باید در مجاهده و محبت اولیا درون خود را پاک کرده باشد. خرقه و کلاه دادن این چنین کسی را روا باشد» (رضوی، ۱۳۸۰: ۱۳۹). چشتیه همچنین معتقدند که «خرقه» را حضرت محمد (ص) در شب معراج از جبرئیل دریافت نمود و سپس به حضرت علی (ع) تفویض نمود (حسینی، ۱۳۵۶ هـ. ق: ۹۳). خرقه‌پوشی در نزد پیروان چشتیه تا زمان «شیخ نصرالدین چراغ دهلوی» حائز اهمیت بسیاری بود (آریا، ۱۳۸۷: ۸۳۲). رکن‌الدین کاشانی در اشاره به پیشینهٔ «خرقه» و دریافت آن توسط حضرت علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) میگوید: «رُوی عن علی رضی الله عنه رسول الله (ص) والنبي من راسه فقلت ما هذا یا رسول الله قال هذه صله بینی و بینک یا علی لتکون هذه سنه لفقراء و اهل الطریقه - بدین حدیث بیعت ارادت و خرقه یافتن از مشایخ ثابت شد» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ هـ. ق: ۳۶). رکن‌الدین در خصوص ماجرای دریافت خرقه از سوی حضرت محمد در شب معراج میگوید: «چون حضرت رسالت‌پناه از معراج بازگشت، بر در بهشت ایستاده کردند و خلعتی بر رسول الله (ص) پوشانیدند، در خاطر رسول علیه‌السلام گذشت که اگر امکان مرا از این خلعت نصیبی باشد چه خوب بوده. در حال جبرئیل آمد و گفت یا محمد ازین خلعت امکان تو را نیز نصیب باشد ولیکن بدین شرط و آن شرط تعیین کرد. چون رسول علیه‌السلام به دنیا آمد، میان یاران حکایت کرد... امیرالمؤمنین شاه مردان علی کرم الله وجهه برخاست، رسول الله پرسید: تو چه کنی؟ گفت: این را ستر بندگان خدای تعالی سازم و عیب بندگان خدای بیوشم، حضرت رسالت‌پناه گفت: شرط همین بود خرقه به امیرالمؤمنین شاه مردان علی دادند، بعده به حسن بصری رسید و از آنجا عن علی به مشایخ رسید؛ فاما تجدید بیعت که مریدان با مشایخ میکنند این را سندی تمام است» (همان: ۳۶). انواع خرقه در طریقت چشتیه شامل تبرک، ارادت، خرقهٔ توبه، تصوف و ولایت است. نخستین خرقه‌ای که مرید پس از ورود به خانقاه و یا حلقهٔ مریدان میپوشید خرقهٔ توبه یا ارادت است. در توضیح انواع خرقه در طریقت چشتیه، رکن‌الدین کاشانی آورده است: «خرقه پنج است: اول خرقهٔ ارادت است که روز بیعت شیخ، مرید را بدهد و توبه کناد و به صلاح و تقوی درآرد. دوم خرقهٔ محبت است که پیر بعد ارادت مرید را کلاه یا جامه به شفقت دهد، آن جامه نیز از نعمت خالی نباشد. سیوم خرقهٔ تبرک است که شیخ جز مرید دیگری را به التماس آن کس عطا کند. چهارم خرقهٔ صحبت است آنکه شیخ در حیات خود بسبب بُعد مسافت مرید را قابل نعمتهای دیگر داند، او را به شیخی کامل صحبت فرماید تا [او ضایع نماند و بدان نعمتها رسد و تواند بود و در خواب هم مرید را اشارت فرماید] صحبت آن شیخ کند. پنجم خرقهٔ حقیقی است که شیخ به مریدی خاص دهد و مصالح ظاهر و باطن و دینی و دنیاوی آن مرید از قلیل و کثیر متکفل شود و بر خود لازم نماید تا آن مرید را به حق برساند؛ فاما کسی نداند که شیخ وقت ارادت آوردن از این پنج خرقه، خرقهٔ حقیقی به که میدهد آن میان حق و شیخ است و تواند بود که اگر مرید قابلیت ازلی دارد هم بروز ارادت خرقهٔ حقیقی دهد وگرنه بتدریج به کمالیت رساند بعده خرقه حقیقی دهد» (همان: ۴۴). در مراسم اهدای خرقهٔ ارادت و فقر، بزرگان و مشایخ چشتیه پس از «بیعت» و «دست دادن» و تراشیدن موی سر، کلاهی چهارترک بر سر میگذاشتند که نشان از ترک دنیا، هواهای نفسانی، حرص و هوس و شب‌زنده‌داری بود (نصیری جوزقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵). رکن‌الدین

کاشانی به این دو مراسم بیعت و مقراض کردن (ستردن موی سر) اشاره دارد: «هر که مرید را بی بیعت و بی خرقة، مقراض راند، او هم ماضل باشد» (همان: ۴۶).

کرامت: از دیدگاه پیروان طریقت چشتیه «آنچه در او عقل را گنجایی نیست آن کرامت باشد... پنهان نگهداشتن کرامت و فاش نکردن آن از اصول مورد قبول و تأکید مشایخ چشتیه بوده است» (نصیری جوزقانی، ۱۳۹۴: ۱۱۶). رکن الدین کاشانی در بیان هفتم از اوصاف طریقت به شرح تفاوت معجزه انبیا و کرامت اولیا پرداخته و میگوید: «معجزه انبیا را بود که ایشان را علم کامل بود و [صاحب] وحی جلی بودند و هرچه اظهار کنند معجزه باشد و کرامت اولیا را بود که ایشان نیز علم و عمل کامل دارند؛ فاما مغلوب باشند. هرچه از ایشان به ظهور آید کرامت بود اما معونت آن است که ایشان را علم کامل نه باشد آنگاه از ایشان چیزی خرق عادت معاینه افتد؛ اما استدراج طایفه بی ایمان را باشد که از سحر و غیر آن چیزی معاینه افتد... کرامت اولیا برحق است و آن خارق عادت باشد؛ چنانچه قطع مسافت بعیده در مدت قلیل کند و بر آب و هوا برود» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ ه.ق: ۴۷). رکن الدین از قول عین القضاة «کرامت» را نعمت حق تعالی میدانند که هر که را می خواهد بی واسطه نماز و روزه عطا میکند: «رسالة عین القضاة، کشف و کرامت نعم حقتعالی است؛ هر که را خواهد بی واسطه نماز و روزه و خیرات عطا کند؛ چنانچه پدر من قاضی رشوتستان بود، ولی صاحب کشف و کرامت» (همان: ۳۶).

ذکر: در طریقت چشتیه «مرشد و مریدانش موظفند فرائض و واجبات دینی و حتی مستحبات شرعی را بجا آورند. مریدان موظف هستند پس از هر نمازی، اوراد و ادعیه خاصی را بخوانند. ذکر در طریقت چشتیه بصورت خفی و جلی و نفی و اثبات انجام میشود» (آریا، ۱۳۸۷: ۸۳۴). رکن الدین کاشانی «ذکر» را ویژگی و اوصاف حمیده زبان میدانند: «[برای] زبان [صفت] حمیده، تلاوت کردن و ذکر دوام گفتن و جواب بانگ نماز دادن و بیان مسائل شریعت کردن [است]» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ ه.ق: ۱۷). اهمیت ذکر در طریقت چشتیه تا بدان حد است که صاحب ولایت با گشایش درهای ذکر از جانب حضرت حق مورد التفات قرار میگیرد: «چون حقتعالی خواهد کسی را صاحب ولایت گرداند، اول در ذکر بر او گشاید؛ چون در ذکر متلذذ گردد، در قرب بر او گشاده کند» (همان: ۳۳). رسالت سالک در طریقت زیستن برای «ذکر» گفتن است؛ چنانکه رکن الدین میگوید:

خوردن برای زیستن و ذکر کردن است تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است

(همان: ۶۷)

این اذکار باید بصورت مداوم باشد و لذا شرط سالک «استدامت» در ذکر است؛ چنانکه رکن الدین کاشانی از قول بزرگان طریقت چشتیه میگوید: «قول حضرت با برکت شیخنا و مخدومنا شریعت استقامت یافتن بر اوامر و ترک نواهی است و طریقت، استدامت به ذکر نامتناهی الهی است و حقیقت مداومت نمودن در نفی هر چه به غیر خدای است» (همان: ۷۲). رکن الدین در جای دیگر از رساله «فضائل الاتقیا» به خواندن اوراد در این طریقت اشاره میکند: «مصاحبت ذاکران اوراد و ذکر روی دهد و صحبت اهل دل بمذکور رساند» (همان: ۹۱). رکن الدین در فضائل و برکات ذکر زبانی و لسانی در طریقت چشتیه آورده است: «در فضائل ذکر لسانی و جنانی ارزانی فرمودند، یقین به سعادت ابدی محبی و عزت سرمدی محبوبی حق معزز و مختص گردانیدند حاکماً عن الله تعالی: اذا ذکرنی عبدی فاکثرنی الذکر» (همان: ۹۹). در انواع ذکر، رکن الدین به سه نوع اشاره نموده است: ذکر تقلیدی، ذکر معنوی و ذکر حقیقی: «ذکر سه نوع است: اول تقلیدی که عوام بی تلقین شیخ کامل بگیرند و زبانی کلمه طیب گویند. دوم ذکر معنوی است که قسم خواص و آن اسم الله است که به دل بگویند و از شیخی مکمل و مرشدی ملقن بر گرفته باشد؛ ولی متمکن نباشد؛ یعنی ذکر وقتی گوید، وقتی خاموش گردد. سیوم ذکر حقیقی است و آن اسم

هواست که روح گوید. این قسم خاص‌الخاص بود و دل بدین گفتن متمکن شود» (همان: ۱۰۰). در آداب ذکر، نشستن حلقه‌وار در طریقت چشتیه مورد توجه قرار گرفته است: «این حدیث حجت است که وقت ذکر و تلاوت حلقه نشینند و ذکر گویند» (همان: ۱۰۱). رکن‌الدین ذکر روح را «هو» میدانند و گویا «هو» در طریقت چشتیه و آنچه در «رساله اذکار چشتیه» از شیخ نصیرالدین چراغ دهلوی نقل شده است در کتاب ذکر «لا اله الا الله» «حسبنا الله و نعم الوکیل»، «الله»، «یا فتاح» و دیگر اذکار مورد توجه قرار گرفته است (آریا، ۱۳۸۳: صص ۲۰۴-۲۰۵). رکن‌الدین درباره ذکر «هو» و «الله» میگوید: «چون ذاکر از ذکر الله که خاصه دل است به ذکر روح رسد که هو است هیبتی در دلش افتد، هستی خود نیست شود و این را عالم فنا گویند که بنده را هیچ حرکت و سکون نفسانی و جسمانی نماند، همه ربانی شود» (همان: ۱۰۲). درخصوص آداب ذکر، رکن‌الدین معتقد است ذاکر باید ابتدا وضو و غسل کند، بعد از آن ذکر بگوید؛ یعنی طهارت جزء اصلی آداب ذکر است: «ذاکر را باید که در وضو و غسل احتیاط نماید، بعده ذکر گوید تا اگر ذکر بی طهارت ظاهر و باطن گوید، زخمی خورد یا مکروهی بدو رسد و اگر دست در کاری زند، آن کار باطل شود و اگر چیزی پزد، بیمزه آید و دل تاریک شود و مشایخ ما اگر مریدی را ذکر فرمایند، جامه خود بدو دهند تا به نور آن جامه بر او نعمت ذکر بگشاید» (همان: ۱۰۰).

بیداری و شب‌زنده‌داری (یقظه): بیداری و یقظه از لوازم لاینفک حرکت ارادی سالک در طی طریقت است. این یقظه و بیداری هم شامل شب‌زنده‌داری است و هم آگاهی باطنی و درونی. شیخ رکن‌الدین درخصوص بیداری میگوید: «حضرت رسالت‌پناه را فرمان شد: شب برخیز و به طاعت و عبادت مشغول شو. رسول‌الله همه شب بیدار میبود؛ چنانکه پایهای مبارک بیاماسید. باز فرمان آمد: الاً قليلاً مگر اندکی بخسب» (همان: ۱۰۲). در فضیلت شب‌بیداری رکن‌الدین در رساله «شمایل الاتقیا» آورده است: «اگر شب‌بیداری امتان رسول‌الله نه بودی، همه خفتگان را هلاک میکردندی. فضل امت حضرت رسالت‌اغلبی از بیداری شب است» (همان: ۱۰۳). یقظه ندایی الهی است که از پس حجابهای نفسانی و تعلقات مادی به گوش جان مینشیند و اگر زنگار ظلمت دل صیقل داده شود، او را به مرتبه آینگی و کمال میرساند. ندای حق همیشه تکرار میشود تا انسان مجذوب را بسوی خویش فراخواند. ازاینرو بیداری ظاهری و شب‌زنده‌داری مقدمه‌ای است برای آگاهی دل. رکن‌الدین کاشانی، در معنای تأویلی، خواب را صفت بنده و بیداری را صفت حضرت حق میدانند و میگوید: «خواب صفت عبد است و بیداری وصف معبود لاتأخذه سنه و لا نوم بر این حاکی است» (همان: ۱۰۵). رکن‌الدین حلاوت ایمان را در بیداری (ظاهری و باطنی) میدانند: «حلاوت ایمان در شب‌بیداری است» (همان: ۱۶۰). در تأکید این معنی میگوید:

جانان سر تو که هر دو شب بیدارم فرق است ولی میان بیداریها

(همان: ۲۵۲)

عارفان مسلمان بر این عقیده‌اند که بیداری یا یقظه امری موهبتی و از منازل نخستین سلوک است. بیداری و شب‌زنده‌داری از اعمال مجاهده در تعالیم چشتیه است» (سجزی، ۱۳۹۰: ۷). به همین دلیل رکن‌الدین کاشانی مکاشفات خواص را در بیداری و شب‌زنده‌داری میدانند: «اکثر مکاشفات عوام، در خواب اما مکاشفه خواص در بیداری است و آن است که غرائب احوال و عجایب احوال از حق یابند» (همان: ۲۶۷).

سماع: برگزاری مراسم سماع در طریقت چشتیه، امری متداول و مرسوم بوده است. «مشایخ چشتیه آن را سنت پیران خود میدانسته‌اند. ابواحمد ابدال چشتی از کودکی در مجالس سماع ابواسحاق شامی حضور مییافت و ابویوسف چشتی نیز سماع بسیار میشنید. خواجه شریف زندنی بیشتر اوقات خود را در سماع میگذراند و خواجه عثمان هارونی هم سخت طرفدار سماع بود. هنگامی که این سلسله در هند گسترش یافت، مجالس باشکوهی در

حضور مشایخ برپا میگشت که مریدان در آنها با شور و حال شرکت میکردند. خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای در خانقاه شیخ علی سگری، در مجلس سماع درگذشت و شیخ علی احمد صابر نیز با وجود آنکه همواره در انزوا به سر میبرد، در مجالس سماع شرکت میکرد و مانند قطب‌الدین بختیار در حال سماع از دنیا رفت» (آریا، ۱۳۸۷: ۸۳۵). در طریقت چشتیه بر لزوم سماع بسیار تأکید شده است. در طی طریقت سلوک «کسی را که دوستی حقتعالی بر دل غالب شده باشد و به حدّ عشق رسید، سماع وی را مهم باشد که اثر آن از بسیار خیرات رسمی بیش بود و دوستی حق تعالی بدان زیادت شود» (چشتی صابری، ۱۹۰۲: ۷۶؛ رک: فتوحی مرنست، ۱۳۹۹). سیدمحمد گیسودراز از بزرگان طریقت چشتیه درخصوص سماع میگوید: «یکی از طرق وصول به محبوب سماع است؛ چندانکه به نماز و روزه و تلاوت به خدا برسند، کذلک به سماع هم برسند؛ بلکه در سماع جمع و توبه که سرمایه جمیع سعادت‌هاست بیشتر است و هم از آن میگوید شیخ ابوعلی دقاق: السماع اقرب الطرق الی الله» (حسینی، ۱۳۵۶ ه.ق: ۱۵۳). اهمیت سماع در طریقت چشتیه تا بدان حدّ بود که تقریباً تمامی مشایخ و بزرگان این فرقه، سماع را جزو واجبات میدانستند و نه تنها آن را حرام بلکه جایز میشمردند تا جایی که سماع از اصول اساسی چشتیه به حساب می‌آمد (رضوی، ۱۳۸۰: ۲۶۳). شیخ عبدالرحیم چشتی در بیان زندگینامه‌های بزرگان و مشایخ چشتیه آورده است: «آن حضرت [معین‌الدین چشتی] اکثر در استغراق میبود و چشم پوشیده میداشت و بوقت نماز میگشاد و بر هر که نظر افکندی، ولی کامل گردیدی و هر که سه روز خدمت میماند، صاحب کرامت میشد و حافظ کلام ربّانی و صاحب سماع بود و هر روز ختم قرآن کردی و هر بار که ختم قرآن کردی، آواز غیب آمدی که معین‌الدین ختمت قبول کردم و سماع اکثر شنیدی و هیچکس از علما و فقهای وقت انکار سماع نکردی» (چشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۳). درخصوص جواز اباحت سماع در طریقت چشتی صابری در کتابی مستقل که پیرامون سماع نگاشته، آورده است که: «اگرچه احادیث در این باب [اسماع پیامبر] به طریق مختلفه بسیارند، لیکن ما اکتفا میکنیم در اینجا به ذکر احادیث صحیحه که در کتب صحاح یافته میشود و آن دوازده حدیث است» (چشتی صابری، ۱۹۰۲: ۱۵؛ رک: فتوحی مرنست، ۱۳۹۹).

پیروان طریقت چشتیه، سماع را سنت مشایخ و پیران خود میدانند و سابقه سماع در این طریقه را به پیر خود (ممشاد علوّ دینوری ۲۹۹ م.) میرساند که سماع را برپای میداشت و در این مراسم به فقرا و سایر مردم طعام میداد. از ویژگیها و آداب سماع صوفیانه چشتیان، آغاز و ختم آن با قرآن بود (چشتی، ۱۳۸۵: صص ۵۵ - ۵۷). رکن‌الدین کاشانی درخصوص سماع و جواز آن آورده است که: «شیخ‌الاسلام نظام‌الحق والدین رحمه الله علیه فرموده است که سماع علی‌الاطلاق حرام نیست و علی‌الاطلاق حلال نه. بر عوام حرام است که به لِه و لغو شنوند و بر زهد مباح است و بر اهل تصوّف مستحب است و بر عاشقان حلال و هم خدمت خواجه میفرماید: سماع بر چهار قسم است: یکی حلال آنکه شنونده تمام میل به جانب حق باشد و به مجاز هیچ میل نه، دوم مباح است آنکه صاحب سماع را میل سوی حق بیشتر بود و جانب مجاز اندک. سیوم مکروه است آنکه میل سوی مجاز بود؛ مجازی که ممنوع شرع است تا اگر میل به حلال خود دارد آن مباح باشد نه حرام؛ چه میل در مشروع میکند؛ فامّا صاحب سماع باید که فرق میان حلال و حرام و مباح و مکروه کردن بداند و هذا شرّ بین الحق و السامع» (دبیرکاشانی، ۱۳۴۷ ه.ق: ۲۴۱).

رکن‌الدین کاشانی درخصوص منکران سماع و آن دسته که بر حرام بودن سماع در میان مشایخ تأکید دارند، میگوید: «منکران سماع را سه حال است: یا جاهلان سنت رسول‌الله‌اند یا مغرور به علم خودند یا افسرده‌طبعند و بعضی صاحبان سماع از آواز مطرب و نظم صد هزار رموز که در آن کنوز اسرار باشد فهم کنند» (همان: ۲۴۴).

در خصوص استفاده از ابزار و آلات موسیقی در میانه سماع در کتاب «نغمه عشاق» از چشتی صابری آمده است: «اگر کسی گوید از احادیث و اخبار دلیل اباحت سماع دف از آن حضرت و سماع عود و بریط و طبل از صحابه و تابعین به اختلاف اقوال ثابت گشته، اما دهل و طبل و ستار و طنبور در عهد آن حضرت کجا بود تا حکم اباحت آن معلوم شود؟ جواب گویم که موافق مذهب حنفی، اباحت آن محتاج دلیل نیست؛ زیرا که به ضابطه حنفیه اصل در اشیاء اباحت است؛ از اینرو پیران طریقت چشتیه، بخصوص نظام‌الدین اولیا، بکارگیری آلات موسیقی در سماع را مؤکد نهی کرده‌اند چنانکه از نظام‌الدین اولیا است که: «منع کرده‌ام که مزامیر [در معنای مطلق آلات موسیقی نه تنهایی] و محرمت در میان نباشد» (سجری، ۱۳۹۰: صص ۱۲۰ - ۱۲۲). رکن‌الدین کاشانی در خصوص «صفت سماع» آورده است: «السماع وارڈ الحق یرجع القلوب الی الحق؛ یعنی سماع وارد حق تعالی است که دلها را بسوی حق برانگیزد. صفت سماع [آن است که] وارد ضعیف در اضطراب آرد و قوی در درد اندازد» (همان: ۲۴۷). در طریقت چشتیه میان سماع ظاهری و سماع حقیقی و باطنی فرق بسیاری است؛ چنانکه آمده است: «سماع مرکب انبیا و اخص خواص است؛ یعنی وصول به حق به سماع باشد و آن نه این سماع است که حُسن صوت دانی، بلکه سماع حقیقی آن است که سامع یا در پرده شنود یا بی پرده، در پرده شنیدن آن است که فهم معانی ظاهر و باطن فرقانی کنند و یا آنکه بدانند که این آیات در صفات ذاتی و افعالی است و یا در بیان ذات است و آیا آنکه بی پرده شنوند، آن بواسطه حرف و صوت نباشد که آن به حسن باطن تعلق دارد، این چنین سماع مرکب بود» (همان: صص ۲۴۷ - ۲۴۸). رکن‌الدین کاشانی به رسم قرآن خواندن بعنوان رسمی رایج در طریقت چشتیه در هنگام سماع اشاره دارد: «شرط دیگر - در ابتدا و انتهای سماع قرآن خوانند تا به برکت آن قائل به سامع مغفور گردند» (همان: ۲۴۹). از دیگر آداب سماع، نحوه نشستن صوفیان در مجلس است که رکن‌الدین به آن چنین اشاره دارد: «در سماع به تکیه ننشینند و آسیب بر یاری نرسانند، خدمت شیخ‌الاسلام زین‌الحق والدین قدس الله سره العزیز فرموده است: اگر صد صوفی در سماع باشند، چنان رود که دامن او به دامن دیگری نرسد و حالت دروغ نیارد و برای نمودن کسی رقص نکنند... ادب دیگر در سماع حالت محو با هیبت نشستن است و نیست گشتن به غیبت... بعد سماع که یاران دامن فراز میکنند و فاتحه میطلبند و بر سینه و بر روی فرود می‌آرند» (همان: صص ۲۴۸ - ۲۴۹).

نتیجه‌گیری

شمایل الاتقیا و ردایل الاشقیاء رساله‌ای نسبتاً جامع و کلان است که در چاپ سنگی کمیاب (۱۳۴۷ ه.ق) حیدرآباد دکن نخستین بار به طبع رسیده است. این کتاب منتخبی از ملفوظات و اخبار شفاهی صوفیه چشتیه است که طیف وسیعی از اندیشه‌های پیران و مشایخ چشتیه را دربر میگیرد. شمایل الاتقیا از کتب ملفوظات مربوط به شیخ برهان‌الدین غریب است که به قلم رکن‌الدین کاشانی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب را میتوان تا اندازه‌ای گزارش صرف از اقوال برهان‌الدین غریب دانست که بعنوان مجموعه‌ای کلان و نیز منتخباتی از اخبار و اقوال شفاهی و مکتوب صوفیه که طیف و جهتگیری کاملی از سیروسلوک عرفانی را دربر میگیرد به حساب آورد. از این اثر نسخه‌های خطی دیگری نیز باقی مانده است که ضرورت و اهمیت طبعی تازه و دقیقتر از نسخه چاپ سنگی آن را بیش از پیش آشکار میسازد. رساله شمایل الاتقیا شامل مستمعات و نقل قولهای شفاهی است که وی از آنها با عنوان ملفوظات یاد میکند و درحقیقت گردآوری از تعالیم شفاهی صوفیه و اندیشه‌های مشایخ چشتیه است. آنچه در این کتاب در قالب تعالیم طریقت چشتیه ذکر شده است، مانند سایر طریقت‌های عرفان اسلامی، در راستای شناخت و معرفت نفس میباشد. اینکه عالم سایه‌ای از تجلی حق و حقیقتی از اوست؛ لذا سالک عاشق تمامی همت

خویشتن را در جهت طلب مطلوب حقیقی و وصول به ذات حقیقت و رهایی از تعینات و تعلقات ظلمانی که حجاب راه است باید مصروف بدارد. توجه به آداب ویژه در زمینه ارتباط مرید و مراد، بیعت، ذکر، سماع، خرقه پوشی و توبه و... از دیگر موارد مطرح شده در این اثر میباشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در پردیس علوم انسانی دانشگاه سمنان استخراج شده است. آقای دکتر محمدرضایی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. سرکار خانم زهرا رحیمی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. آقای دکتر قدرت الله خیاطیان به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی پردیس علوم انسانی دانشگاه سمنان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abdorrahman. (1990). The bazm of Sufism. First edition, Pakistan: EslamAbad 291.
Http://fa.wikifeqh.ir.
- Ariya, KH. (2008). Sufism in the Indian Subcontinent. Great Islamic Encyclopedia, Tehran: the center of Great Islamic Encyclopedia, p. 835, 160, 105.
- Ariya, KH. (2004). The way of India and Pakistan cheshtiye, Tehran, Zavvar.
- Badjenj, M. (2007). Sharif Chesht. Encyclography of the Islamic World, the institution of Encyclography of the Islamic World, p. 11.
- Cheshti S. Molavi M. (1902). Azala al-Qunwa men vojog alsama'. Lakhno: Manshi Noshkor.
- Cheshti. Abdorhahman, A. CD Version. Library of The Islamic Consultative Assembly, p. 885.
- Cheshti. SH. (2006) Khajegan Chesht Seyr Al-AQtab (Mashayekh Cheshtieh's Biographies Collection). Introduction and corrected by Molaee, M. S. Tehran: Ghalam, p. 76.
- Dekhoda. A. A. (1996). Dictionary. Tehran: publication of Tehran University.
- Esfazari, M. M. (1959). Rozaat al-Jannat fi Osafe Medina Harat. Corrected by seyed mohammad Kazem. Tehran: publication of Tehran University, p. 104.

- Faryamanesh, M. E. Karol. (2014). Written oral teachings in the way of the earlier Cheshtieh. *Research Mirror*. 25 (4), pp. 5-14.
- Fathi Mernest, Sh. (2020). Ph.D. Thesis on the Path of Love and Tolerance: Comparing the Mystical Teachings of Shaykh Nezamuddin Olya with Kabir. Azad University, Tehran, Central. Director: Mohammad Reza Adli.
- Gisooderaz, seyed Mohammad. (1983). Letters. Hyderabad Deccan: Pryce's Office, p. 123.
- Gisooderaz, seyed Mohammad. (1971). Asmar al-Asrar, Hyderabad Deccan: The Steem Peris Office. (Electronic version). 81
- Hendo shah Esterabadi. M. G. (2009). The history of Fereshteh, (4 volumes). Editorial: Mohammad Reza Nasiri and Hakimeh Dastranji, Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Hoseni. S. A. (1977). The Famous Treatise of Conduct. Laknaho. Nool Country Office, p. 93 & 153.
- Kashani KH. Roknoddin. (1968). figures of al-Attiqiya: To the utmost, Mortazavi, Q. the office of Ashraf Paris (basic version).
- Keykha Farzane, AR. & Salimi Korashad, S. (2015). The Mystical view of Khajeh Moein Cheshti based on the Divan attributed to him. *Quarterly Journal of Subcontinent Studies*, University of Sistan and Baluchestan. 7 (23). pp. 97-116.
- Kiyae, M. (1990). History of Khanqah in Iran, Tehran, Tahori, p. 45.
- La'l badakhshi. Mirza La'l Beyg. (1997). Samarat Al-Qods men Shajarat Al-Ons. Introduction and Correction: Seyed Kamal Haj Seyed Javadi. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, p. 514, 515, 176.
- Mayel Heravi. Najib. (2018). Methods of reviving the texts of the Ahl-e Qalam (Roundtable). *Heritage Mirror*, Number 9, pp. 1110-1115.
- Mojtabae, F. (1998). Islam in the Indian subcontinent and Pakistan. The Great Islamic Encyclopedia. Tehran: Center of the Great Islamic Encyclopedia, p. 59, 68.
- Nahavandi, A. (1925). Ma'aser Rahimi. Attempted by: Mohammad Hedayat Hussein. Kalkate: Kalkate Publications, P.374.
- Nasiri Jozgani. A. et al. (2015). The historical-intellectual course of the way of Cheshtiya from the beginning to the end of its elevation. *Quarterly Journal of Greater Khorasan Research Journal*. 6 (21). pp. 107-120.
- Nezameddin Oliya, M. (1930). Rahat al-Qolub, Dehli: Mojtabai's Office, pp. 13-55.
- Razavi. Seyed Athar. (2007). Sufism in the Indian Subcontinent. Spiritual poetry in local languages. Translated by Shah Hoseini F. Information and Wisdom and Knowledge Research Monthly. Tenth year. pp. 39-46.
- Razavi. Seyyed Athar. (2001). The history of Sufism in India. Translated by Mansor Mo'tamedi, Tehran: Academic Publication Center, p. 158, 117, 40, 263.
- Sajzi, A. (2011). Favaed al-Foad, the duties of Hazrat Khwaja Nezamuddin Olya. Corrected and explained by Tofiq, h. Sobhani, Tehran: Erfan Publishing Institute.
- Seyfi Heravi. S. M. (2002). Written using the history of Herat letter. Worked by Fekrat M. a. Tehran. Mahmoud Afshar Endowment Foundation, p. 148.
- Shams. (1988). Borhanedin Garib. Great Islamic Encyclopaediation. Tehran; the center of Great Islamic Encyclopaediation.

Shekar Ganj. (1927). Favayed Al-Salekin. Dehli: Urdu Progress Society Library, p. 3.

فهرست منابع فارسی

- آریا. غلامعلی (۱۳۸۳). طریقه چشتیه هند و پاکستان. تهران: زوار.
- آریا. غلامعلی (۱۳۸۷). تصوّف در شبه‌قاره هند. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ص ۸۳۵، ۱۶۰، ۱۰۵.
- اسفزاری. معین‌الدین محمد (۱۳۳۸). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. به تصحیح سیدمحمد کاظم امام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۰۴.
- بادنج. معصومه (۱۳۸۶). چشت شریف. دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ص ۱۱.
- چشتی صابری. مولوی محمد (۱۹۰۲). ازاله القناع من وجوه السماع. لکنهو: منشی نولکشور.
- چشتی. شیخ‌الله دیه‌بن شیخ عبدالرحیم (۱۳۸۵). خواجگان چشت سیر الاقطاب (مجموعه زندگینامه‌های مشایخ چشتیه). مقدمه و تصحیح: محمد سرور مولایی. تهران: قلم، ص ۷۶.
- چشتی. عبدالرحمان بن عبدالرسول (بی‌تا). نسخه لوح فشرده. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۸۸۵.
- حسینی. سیدمحمد اکبر (۱۳۵۶ هـ. ق.). رساله معرفت سلوک. لکنهو. مطبع نول کشور، صص ۹۳ و ۱۵۳.
- دبیر کاشانی خلدآبادی، رکن‌الدین بن عمادالدین (۱۳۴۷ هـ. ق.). شمایل الاتقیا، به اهتمام مولوی حکیم غلام مرتضی. حیدرآباد دکن: مطبوعه اشرف پریس (نسخه اساس).
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوی. سیداطهر (۱۳۸۶). «تصوّف در شبه‌قاره هند. سلسله‌ها و شعر معنوی به زبانهای محلی». ترجمه فاطمه شاه‌حسینی. ماهنامه پژوهشی اطلاعات و حکمت و معرفت. سال دهم، صص ۳۹-۴۶.
- رضوی. سیداطهر (۱۳۸۰). تاریخ تصوّف در هند. ترجمه منصور معتمدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۱۷، ۴۰، ۱۵۸، ۲۶۳.
- سجزی. امیرحسین (۱۳۹۰). فواید الفؤاد؛ ملفوظات حضرت خواجه نظام‌الدین اولیاء. تصحیح و توضیح توفیق. هـ. سبحانی. تهران: مؤسسه انتشارات عرفان.
- سیفی هروی. سیف‌بن محمد (۱۳۸۱). پیراسته تاریخنامه هرات. به کوشش محمد آصف فکرت. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ص ۱۴۸.
- شکرگنج. شیخ فریدالدین (۱۳۰۶ هـ. ق.). فواید السالکین. دهلی: کتابخانه انجمن ترقی اردو، ص ۳.
- شمس. محمدجواد (۱۳۶۷). برهان‌الدین غریب. دانشنامه بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۲.
- صباح‌الدین عبدالرحمن (۹۹۰ م). بزم صوفیه. جلد ۱. پاکستان: اسلام‌آباد ۲۹۱. ر. ک: <http://Fa.wikiFeqh.ir>
- فتحی مرنست. شمسعلی (۱۳۹۹). رساله دکتری طریقت عشق و مدارا: مقایسه تعالیم عرفانی شیخ نظام‌الدین اولیا با کبیر. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی. راهنما: محمدرضا عدلی.
- فریامنش. مسعود و ارنست. کارل (۱۳۹۳). «مکتوب شدن تعالیم شفاهی در طریقه چشتیه متقدم». آینه پژوهش. (۴) ۲۵، صص ۵-۱۴.
- کیایی. محسن (۱۳۶۹). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری، ص ۴۵۲.

کیخای فرزانه. احمدرضا و سلیمی خراشاد، سودابه (۱۳۹۴). «دیدگاه عرفانی خواجه معین چشتی بر اساس دیوان منسوب به وی» فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان. (۲۳) ۷، صص ۹۷-۱۱۶.

گیسودراز. سیدمحمد (۱۳۵۰ ه. ق.). اسرار الاسرار. حیدرآباد دکن: مطبع استیم پریس. (نسخه الکترونیکی). ۸۱.

گیسودراز. سیدمحمد (۱۳۶۲ ه. ق.). مکتوبات. حیدرآباد دکن: مطبع پریس، ص ۱۲۳.

لعل بدخشی. میرزا لعل بیگ (۱۳۷۶). ثمرات القدس من شجرات الانس. مقدمه و تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۷۶، ۵۱۵، ۵۱۴.

مایل هروی. نجیب (۱۳۷۹). «شیوه‌های احیای متون سرای اهل قلم» (میزگرد). آینه میراث، شماره ۹. صص ۱۱۰-۱۱۵.

مجتبایی. فتح‌الله (۱۳۷۷). اسلام در شبه‌قاره هند و پاکستان. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، صص ۵۹، ۶۸.

نصیری جوزقانی، عبدالرئوف و همکاران (۱۳۹۴). «سیر تاریخی - فکری طریقت چشتیه از آغاز تا پایان اعتلای آن». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ. (۲۱) ۶، صص ۱۰۷ - ۱۲۰.

نظام‌الدین اولیاء. محمد (۱۳۰۹ ه. ق.). راحة القلوب. دهلی: مطبع مجتبایی، صص ۱۳-۵۵.

نهادندی. عبدالباقی (۱۹۲۵ م.). مآثر رحیمی. به کوشش محمد هدایت حسین. کلکته: نشر کلکته، ص ۳۴۷.

هندوشاه استرآبادی. محمدقاسم (۱۳۸۸). تاریخ فرشته، (۴ جلد). ویراسته محمدرضا نصیری و حکیمه دسترنجی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

معرفی نویسندگان

زهرا رحیمی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
(Email: zahra.rahimi@slum.semnan.ac.ir)

محمد رضایی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
(Email: mohamad_rezaie@semnan.ac.ir; نویسنده مسئول)

قدرت‌الله خیاطیان: استاد گروه ادیان و عرفان، پردیس علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
(Email: khayatian@semnan.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Zahra Rahimi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Humanities Campus, Semnan University, Semnan, Iran.
(Email: zahra.rahimi@slum.semnan.ac.ir)

Mohammad Rezaei: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Humanities Campus, Semnan University, Semnan, Iran.
(Email: mohamad_rezaie@semnan.ac.ir; Responsible author)

Ghodratullah Khayatian: Professor of the Department of Religions and Mysticism, Humanities Campus, Semnan University, Semnan, Iran.
(Email: khayatian@semnan.ac.ir)